

# آموزش و پرورش

سال هشتم بهمن و اسفند ۱۳۱۷ شماره ۱۱-۱۲

بقلم آقای علی پاشا صالح

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی

## آداب مناظره

بنام خداوند جان آفرین و حکیم سخن در زبان آفرینی که برحمت در مردم ایران نظر کرد و چون اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رضا شاه پهلوی شاهنشاهی فرهنگ دوست بما عطا فرمود که روان تازه در کالبد نیم مرده این ملت کهن سال دمید. زبان آوری کاندین امن و داد سپاس نگوید زبانش مباد

### گفتار نخست

#### تاریخچه و ذکر اهمیت مناظره

مباحثه عمومی یکی از وسائل مهمی است که مدنیت برای پرورش افکار و تقویت نیروی اراده و گفتار از قدیمترین ایام تاریخ تا عصر کنونی بکار برده و هر قومی بشکلی مباحثات و مناظراتی داشته است. مباحثات سرسلسله حکماء یونان سقراط را همه شنیده ایم که چگونه برای ابطال سوفسطائیان از همین نیرو استفاده کرده و بهترین نمونه خطابات وی خطابه دفاعیه ایست که در مجلس دادرسی خود ایراد نمود و ترجمه فاضلانه آن بخامه توانای جناب آقای فروغی زینت بخش زبان فارسی گردیده است. سبب وضع منطق ریز اساساً وجود همین طایفه سوفسطائیان گفته اند و سفسطه را سرگذشت مفصلی است که متأسفانه از حوصله این مختصر بحث در اطراف مناظره بیرون است

اجمالاً سقراط در مبحث جدل رنجها برده و بعد از وی افلاطون برای مغلوب ساختن قوم « سوفیست » کمر همت بسته و در مبحث تصدیقات سخنها گفته و در جدل و سفسطه کتاب نوشته لکن اینهمه پراکنده و نامنظم بوده و این مباحث یکجا تألیف و تدوین نشده بود تا اینکه نوبت بمعلم اول ارسطو رسید.

سازمان این اساس به نیروی نبوغ ارسطو انجام یافت و مجموعه‌ای بنام «ارگانون» از رسالات شش‌گانه وی در مقولات و قضایا و تحلیلات اولیه یا انالوطیقای اول در تحلیل قیاس و برهان یا تحلیلات ثانویه که همان انالوطیقای دوم است و طویقا در جدل و روش استدلال ورد سوفسطائیان بیادگار مانده و این مجموعه را از آنرو «ارگانون» خوانده اند که آلت علم و کلید دانش است.

بعد از ارسطو در نتیجه تحقیقات علماء غرب تغییراتی در منطق پیش آمد و رواقیون و ایقوریون و افلاطونیون جدید و علماء اسکولاستیک و دوره احیاء علوم یارنسانس و باکون و دکارت و حکماء مکتب تجربی (آمپیریسم) از قبیل هابز، ولاک، واستوارت میل و طرفداران مکتب عقلی (راسیونالیسم) از قبیل اسپینوزا، ولایب نیتس و دیگر فلاسفه مانند کانت، وهربارت، ولتسه، وهگل، وبردلی، و بوزانکوت، و سیکوارت، و جانسون و سایرین آراء و عقاید جدیدی آورده اند که از بحث ما عجاله خارج است.

گرچه آثار قدیم ایران ازین رفته است، لکن میدانیم در ایران کاخ بلند دانش و سخنوری پیش از طلوع منطق و فلسفه در یونان برپا بوده و همان قسمی که پاره ای خاور شناسان غرب اقرار دارند حکماء یونان از این سرچشمه فیاض فیضها برده اند. ایرانشناس شهیر آمریکائی پرفسور ویلیم جکسون مینویسد: «اینکه گفته اند فیثاغورث زیر دست استادان مغ تعلیم یافته شاید این سخن بکلی بی اساس نباشد چه ما میدانیم افلاطون آرزو داشت برای تحصیل علم نزد مغان بخاور مسافرت نماید و جنگهای ایران و یونان مانع شد که بآرزوی خود برسد. پیروان پرادیقوس معاصر سقراط بداشتن آثار زرتشت مفاخره و مباحثات میکردند حتی دارمستر گوید گویراس استاد سقراط یکی از فرزندان مغ بوده است.

ارسطو، ذینون، یود و خوس و مخصوصاً ثیوپامیس باسخنان زرتشت آشنا بودند و هراکلیدس پانتیقوس که یکی از تلامذه افلاطون و ارسطو بوده در اثری که از خود باقی گذاشته و پلوتارک بدان اشاره نموده از وی نامبرده است.

بنا بر این و بنا بر شواهد متعدد دیگر هنگامی که از تاك علم هنوز در یونان نشانی نبود ایران خود تاك نشان دانش بود و بعید نیست چنانکه پاره‌ای نیز ادعا کرده‌اند پیدایش عنوان «حکمت اشراق» بدان رو باشد که از شرق یعنی ایران گرفته شده است. حتی قطب‌الدین اشکوری در کتاب محبوب القلوب نوشته است: «گفته‌اند اصل منطق و حکمتی که ارسطو تالیف و تهذیب کرده است هنگام غلبه اسکندر بردار و بلاد ایران از خزائن ایران گرفته شده و ارسطو بر این تالیف و تهذیب توانائی نیافت مگر بوسیله کتابهای ایران». اشکوری حدیث نبوی را شاهد این مدعی قرار میدهد که پیغمبر بزرگ اسلام (ص) فرمود: «لو كان العلم في الثريا لتاوتته رجال من فارس» اگر علم در ثریا باشد ایرانی بر آن دست می‌یابد. ابن خلدون اینطور حدیث را نقل میکند:

«لو تعلق العلم باكناف السماء لئاله قوم من اهل الفارس».

باری چون متأسفانه آثار قدیم ما همه محو شده است نمیدانیم چه قسم سخنوری در این سرزمین رواج داشته و مناظره در ایران باستان چه صورتی داشته است ولی بعد از اسلام فلاسفه بزرگ ایران گامهای بلند برداشته و آثار فراوان و گرانبهای از خود بیادگار گذاشته‌اند. در رشته منطق در درجه اول «منطق الشفاء» است که نادره روزگار شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا بزبان عربی نوشته و دیگر «اساس الاقتباس» است که خواجه نصیر طوسی بزبان فارسی برشته تحریر آورده: دکتر زکی علی مصری در کتاب خود راجع باسلام در دنیا مینویسد: «موقعی که اسم ارسطو را هنوز در پاریس نشنیده بودند و در ا کسفورد هنوز تلفظ لفظ ارسطو را نمیدانستند در نیشابور و سمرقند آثار او را از حفظ داشتند» در آثار سخنسرایان بزرگ ایران مثالهای کافی از مناظراتی داریم که گوینده گاهی در طرف مثبت و دیگر گاه در طرف منفی قضیه داد سخن داده و در

هر مورد چه در مقام اثبات و چه نفی دلائل باندازه ای قوی است که خواننده پندارد حقیقت همانست که استاد گفته و جز آن نیست و این معنی خود بر بلندی پایگاه سخنوران ایران در فن احتجاج دلالت دارد. حتی در آثار پهلوی قبل از اسلام هم مناظرات دیده شده منجمله در زبان پهلوی کتابی است با اسم درخت آسوریک در مناظره بین نخل خرما و بزرگه آقای بهار استاد دانشگاه ترجمه فرموده و همانطور که خود ایشان در مقدمه دیوان پروین اعتصامی که بیشتر قطعات آن بطرز سؤال و جواب و مناظره بسته شده تذکر داده اند: « این شیوه از قدیم الایام خاص ادبیات شمال و غرب ایران بوده. در میان شعرای اسلامی نیز بیشتر مناظرات بشاعران آذربایجان و عراق اختصاص داشته است و قصائد اسدی طوسی که در مناظره است مجموع آنها در آذربایجان ساخته شده و سایر مناظرات نظم و نثر از نظامی تا خواجوی کرمانی گواه این معنی است و معلوم نیست چرا شیوه مناظره که قدیمترین اسلوب حسن اداء مقصود و یکی از بزرگترین طرز سخنگویی و استادی شمال و غرب ایران بوده تا این حد در زیر سبک خراسانی محکوم بزوال شده است که جز قسمت کمی از آن در کتب خطی و مختصری غیر قابل ذکر در ضمن آثار اساتید چیزی برجای نمانده است. » جدال سعدی با مدعی، مناظرات عقل و عشق شیخ، مناظره شب و روز اسدی طوسی و مناظرات تیغ و قلم، شمع و چراغ، پروانه و شمع، جام و قلیان و بالاخره مناظرات مولوی در جبر و اختیار برای نمونه کافی است. مولوی فرماید:

جبر

ما چو کوهیم و صدا درما زتست  
 تو وجود مطلق فانی نما  
 حمله مان از باد باشد دمبدم  
 جان فدای آنکه ناپیدا است باد  
 هستی ما جمله از ایجاد تست  
 گفت ایزد « مارمیت اذرمیت »  
 ما کمان و تیر اندازش خداست

ما چو نایم و نوا در ما زتست  
 ما عدم هائیم و هستی های ما (۱)  
 ما همه شیران ولی شیر علم  
 حمله مان پیدا و ناپیدا است باد  
 باد ما و بود ما از داد تست  
 تو ز قرآن باز خوان تفسیر بیت  
 گر پیرانیم تیر آن نی زماست

## اختیار

این نه جبر این معنی جباری است  
 زاری ما شد دلیل اضطرار  
 گر نبودی اختیار این شرم چیست  
 ذکر جباری برای زاری است  
 خجلت ما شد دلیل اختیار  
 وین دریغ و خجلت و آزرم چیست

اما راجع بمناظره در اروپا و امریکا، در دائرةالمعارف آموزش و پرورش که دکتر پال مونرو بکمک بیش از هزار استاد تألیف نموده است مینویسد: «روزگاری که کتاب هنوز چاپ نشده و بدست مردم نیفتاده بود یگانه راه پرورش افکار سخنوری و مناظره و مباحثه بود. در اروپا کار بجائی کشیده بود که یکی دو مناظره در روز دیگر طلاب علم را چاره نمیکرد. بامداد که سر از بستر آسایش برمیداشتند مباحثه، ظهر مباحثه، شام مباحثه، بعد از شام مباحثه، منزل مباحثه، توی شهر مباحثه، بیرون شهر هم مباحثه.»

در امریکا و همین طور سایر کشورها در اواخر قرن هیجدهم و اوائل قرن نوزدهم همینکه مصالح ملی و حس وطن پرستی رو بفزونی نهاد علماء حقوق و وکلاء مرافعه بنیروی سخنرانی در افکار عامه نفوذ یافتند و فن مناظره اهمیت تازه پیدا کرد. اکنون این فن مانند گذشته ارتباطی بتحصیل لاتن و قواعد زبان ندارد و رنگ دیگری گرفته و در مدارس و دانشگاهها مقام نوین و بزرگتری را حائز است، بدین معنی که یکی از رشته های تحصیل و عملیات فوق برنامه هر دو بشمار میرود. حتی دبستانها نیز امروز کوشش دارند شاگردانرا بوسیله از برخواندن خطابه های مهم و طرق دیگر در مناظره ورزیده نمایند. اکنون توجه دبیرستانها و دانشگاههای امریکا بیشتر بآنست که کرسی مناظره را بکلی از کرسی زبان و ادبیات جدا ساخته و کرسی مخصوصی برای مناظره قائل بشوند. در کشور ما نیز خوشبختانه از چند سال پیش باین طرف در دانشسرای عالی و دانشکده حقوق و علوم سیاسی و غالب دبیرستانهای پایتخت و شهرستانها انجمنهای سخنرانی و مناظره برپا و قدمهایی برداشته شده و از جمله سالهاست اینگونه مجالس در آموزشگاه البرز دائر است.

جان استوارت میل فیلسوف شهیر انگلستان در کتاب شرح حال خود نوشته است: « بارها گفته و بازهم میگویم از تاریخی که وارد محاورات و مباحثات مجالس مناظره شدم افکار بدیع و مستقلى برايم پيدا شد و آغاز قوه ابتكار و استقلال فكر من از همان روزى است كه در مناظره شركت جستم.»

كاردینال نیومن انگلیسی گفته است: « نخستین گامی که در راه پرورش فكر باید برداشت آنست كه نظم و ترتیب و روش صحیح و اصل و قاعده و ضابطه و استثناء در ذهن طفل جایگیر شود. دانش آموز باید بنظم و ترتیب عادت گرفته و از يك اصل ثابت و مسلمى شروع کرده همینطور پیش برود و رفته رفته تشخيص بدهد چه میدانند و چه نمیدانند تا اینکه بتدریج وارد مباحث وسیع و آراء دقیق فلسفی شود، آنگاه خودش نسبت بفرضیات بی اساس و مغالطات مستقلا حكومت خواهد كرد و بد را از خوب و صحیح را از سقیم تشخيص خواهد داد.»

دکتر ویلم تروفنت فاستر در کتاب خود راجع بمباحثه و مناظره مینویسد: در مناظره شاگرد با اصولی رو برو میشود که متکی بعلم منطق است و بزودی توجه میکند که دماغ استدلال همان دماغ منطقی است و هر کس بخواهد درست استدلال کند جز اینکه این فن را بداند چاره ندارد. در استدلال باید روش صحیح و نظم و ترتیب رعایت شود. در غیر اینصورت هرج و مرج و پیریشانگوئی است. صرف تحصیل اصول فن مناظره و صرف بررسی شاهکارهای سخنرانی بدون شرکت در مناظره و تمرین و ممارست، کار خشك و بیروحی است. مبارزه نطق و بیان بمراتب شورانگیز تر از مبارزات قلمی است

رایینز استاد مناظره در دانشگاه آیوا مینویسد: « مناظره وسیله ایست طبیعی برای جمع آوری و انتشار علم. هر اندازه تمدن قومی بیشتر ترقی کند آن قوم در مباحثه قویتر میشود. صفحات تاریخ از تأثیرات مناظره در امور دنیا مخصوصاً از آنرو که یکی از نیروهای بزرگ آموزش و پرورش است حکایت میکنند.»

مناظره مستلزم انتخاب موضوع معینی است که دودسته در آن

موضوع با آداب و تشریفات خاصی بحث میکنند. هر دسته

مرکب از دو یا سه تن سخنور است که از میان محصلین

برگزیده میشوند. یکدسته در طرف مثبت و دسته دیگر در طرف

منفی قرار میگیرد. طرف مثبت موضوعی را که اختیار شده است با ادله و براهین خود

اثبات و طرف منفی رد میکند. مباحثات بیشتر علنی است و با حضور هیئت منصفه بیطرفی

که معمولا از سه تن تجاوز نمیکند و برای داوری دعوت میشود صورت میگیرد. هر

سخنوری برای سخنرانی اصلی خود مدت معینی دارد که معمولا در مناظرات بین

دیرستانها و آموزشگاههای عالی از دوازده دقیقه تجاوز نمیکند و پنج دقیقه هم حق

دارد دلائل طرف را رد کند. در پایان مناظره داوران رای خود را در اینکه کدام دسته

مؤثرتر صحبت کرده بیان میکنند این آقایان میتوانند با هم رای زده و یا بدون

مشورت رای خود را اظهار نمایند. بهتر آنست که هر يك رای خود را مستقلا اعلام نماید

هر يك از قضات باید کاردتی در دست داشته باشد و مطابق نمونه که در اینجا شرح

میدهم بهر سخنرانی روی کارت مزبور سه قسم نمره بدهد: اول برای استدلال، دوم

برای دستور زبان، سوم برای طرز بیان.

در قسمت استدلال قاضی شماره ادله و ارزش نسبی هر يك از ادله را یادداشت

میکند. در قسمت دستور زبان توجه وی بقواعد صرف و نحو و تلفظ است در قسمت

طرز بیان، فصاحت و بلاغت و وضع حرکات و طرز تقریر و ایراد سخن در نظر

گرفته میشود.

ضریب استدلال از سایر قسمتها بیشتر است و اقلانصف نمره را باید با استدلال

اختصاص داد. در محاکم و مجالس مقننه البته اهمیت استدلال بمراتب بیشتر است.

لیکن چون انجمنهای مناظره تنها برای آموختن فن منطق نیست لازم است سخنوران

قواعد زبان و شرایط فصاحت و بلاغت را نیز عملا فرا گیرند، لذا هر يك از اعضاء

هیئت حاکمه باید کاردتی برای نمره گذاری بدین طریق داشته باشد:

## موضوع مناظره

طرف مثبت		طرف منفی	
نام سخنران اول.....		نام سخنران دوم.....	
	الف - استدلال		الف - استدلال
	ب - قواعد زبان		ب - قواعد زبان
	ج - طرز بیان		ج - طرز بیان
	<b>جمع</b>		<b>جمع</b>
نام سخنران دوم.....		نام سخنران دوم.....	
	الف - استدلال		الف - استدلال
	ب - قواعد زبان		ب - قواعد زبان
	ج - طرز بیان		ج - طرز بیان
	<b>جمع</b>		<b>جمع</b>
نام سخنران سوم.....		نام سخنران سوم.....	
	الف - استدلال		الف - استدلال
	ب - قواعد زبان		ب - قواعد زبان
	ج - طرز بیان		ج - طرز بیان
	<b>جمع</b>		<b>جمع</b>
	<b>جمع کل</b>		<b>جمع کل</b>



گذشته از هیئت داوری، انجمن باید نقاد متبحری داشته باشد که بیانات هر یک از سخنوران را از هر لحاظ مورد انتقاد قرار دهد و این کار بسیار ضرور است زیرا بفرموده شیخ: «متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد.»

شماره کسانی که واقعاً فاقد استعداد لازم برای مناظره باشند خیلی **چه کسانی میتوانند کم** و موفقیت در مناظره بیشتر معلول تمرین و ممارست **مناظره کنند؟** است. همان قسمی که بازیکنان فوتبال ماهها باید در میدان بازی ورزش کنند تا بتوانند از عهده مسابقه برآیند، همان اندازه هم مناظره کنندگان باید مدتها در جستجوی ادله و نوشتن و خواندن نطق و تمرین بکوشند. تا در کرسی سخنرانی ورزیده شوند. بسیاری از دانشجویانیکه وارد صحنه مناظره شده اند تا زمانی که بامغلوبیت رو برو نشده بودند معنای مناظره را درک نکرده و پی به اهمیت ضروریات این فن نبرده بودند. در شرح حال «دموستن» سیاستمدار و نطق نامدار یونان نوشته اند این شخص چون از کودکی زبانش میگرفت سنگریزه در دهان خود نهاده گاهی در برابر امواج خروشان دریا میایستاد و میخروشید و دیگر گاه بر فراز کوهها میشتافت و با خود سخن میگفت و نطق میکرد تا سر انجام بر نقیصه خود فائق گشت و هنوز بعد از دو هزار و سیصد سال که از زمان او میگذرد نام بلند خود را از دست نداده است. لذا گفته اند علت پیشرفت و سر کامیابی اساساً سعی و عمل است و نه صرف استعداد ذاتی. فردوسی فرموده:

یقین دان که کاری که دارد دوام	بلندی پذیرد از آن کار نام
به رنج اندر است ای خردمند گنج	نیاید کسی گنج نا برده رنج
چو اندر پس پرده ماند جوان	بماند منش پست و تیره روان
هر آنکس که در کار پیشی کند	همه رای و آهنکیشی کند
بکوشد بجوید به کوشش جهان	خرامد بهنگام با همرها ن
چو کاهل بود مرد برنا بکار	از او سیر گردد دل روزگار
تن آسان نگردد سر انجمن	همه بیم جان باشد و رنج تن

بهر کار کوشا بیاید شدن  
میاسای ز اموختن يك زمان  
چو گفتمی که کام خرد (۱) تو ختم  
یکی نغز بازی کند روزگار

بدانش نیوشا بیاید شدن  
زدانش میفکن دل اندر گمان  
همه هر چه بایستم آمو ختم  
که بنشاندت پیش آموزگار.

البته تعلیمات استادان برای راهنمایی و پیشرفت کار دانشجویان نه چندان است که بتوان قیمتی برای آن قائل شد لکن باید بدانند که سعی و کوشش و پایداری و استقامت و کار خود آنهاست که آنها را بسر منزل کامیابی رهبر است.

بسا میشود مناظره کنند بعلت آهنگ گرم و گیرنده یا حرکات و اشارات دلپذیر و رفتار نیکوی خود در وهله نخست در کرسی خطابه خوش میدرخشد و چون گوی سبقت را از اصحاب دیگر مناظره میرباید طوری مغرور میشود که دیگر به کار تن در نمیدهد و تصور میکند این فن در خلقت و فطرت او بوده و نیازمند جد و جهد نیست. نتیجه نچنین خیال خام روشن است. طولی نمیکشد که جوان خیره سر از خود راضی خود را تحت الشعاع کسانی میبند که در بادی نظر آن جوهر ذاتی و لیاقت و قابلیت طبیعی ویرا نداشتند ولی به نیروی پشت کار از او پیشی گرفتند. در اینموقع:

«هنر زیر افسوس پنهان شود همان دشمن از دور خنداز شود»

«نگر تاچه گفت آن خردمند مرد درین بیت خواهم ترا یاد کرد»

«جوان ار چه دانا بود با گهر اسی آز ما یش نگیرد هنر»

«گرت رای با آز ما یش بود همه روزت اندر فزایش بود»

«شود جانت از دشمن آذیر تر دل و مغزو رایت جهانگیر تر»

«یکی رای و فرهنگ باید نخست دوم آز ما یش بیاید درست»

«بخواب اندر است آنکه بیکار گشت پشیمان شود چونکه بیدار گشت»

(فردوسی)

در بعضی مدارس دنیا مر بیان مناظره برای اینکه شاگردان نشان غالب شوند عادت زشت و زیان آوری دارند و آن عادت زشت نوشتن سخنرانی برای دانش آموزان است. هیچ چیز باندازه این

عمل ناپسند حس اعتماد به نفس جوان راز ائیل نمیکند البته هر دانش آموز باید نزد استاد خود رفته و از وی بخواهد راه کار را با و نشان دهد. ولی بر خود دانش آموز است که ادله خویش را گرد آورده سخنرانی خود را خردش بنویسد و انگاه حاضر کرده ایراد نماید و تا وجداناً خودش کار نکند شایسته و سزاوار نیست مردم میدان مناظره خوانده شود.

مناظره را تنها يك منظور است: اقناع شنوندگان و ترغیب هیئت حاکمه بر اینکه

**هدف** تو ضیحات و ادله سخنی قابل قبول و صاب است بقسمی که هیئت مز بور

**مناظره** معتقدات و افکار پیش را بکلی فراموش کرده گفتار ویرافصل الخطاب دانند

ولو اینکه این تصدیق آنی و زودگذر باشد. بنا بر این غایت مناظره امر

ساده ایست: «اقناع مستمع».

گرچه منظور نظر مناظر یک هدف بیش نیست لیکن وسائلی که برای نیل به

### وسائل

مقصود اتخاذ میکند گوناگون و متعدد است. سخنران باید تمام قوی و سرمایه

خود را از آراستگی ظاهر و تناسب آهنگ و لطف بیان و شور و حرارت و دقایقی که

برای دلنشینی سخن و ترغیب و تهییج شنوندگان لازم است بکار بندد. همان اندازه

که ادله سخنران مهم است دقایق مزبور نیز ارکان و عناصر عمده مناظره بشمار میآید

و سخنران باید هم حرف خوب و هم خوب حرف بزند یعنی حرف خوب و حسابی را

خوب و طبیعی ادا کند و کلامش شور انگیز باشد و تا خود شوری در سر نداشته

باشد شوری بدلهایا تواند انداخت زیرا: «سخن کز جان برون آید نشیند لاجرم بردل»

علماء آموزش و پرورش بر آنند که دانشجویانی که در انجمنهای مناظره

بیشتر فعالیت نشان میدهند کسانی هستند که در آتیه برای کارهای دشوار و

خطر کشور از طرف دولت و ملت برگزیده خواهند شد. یکی از استادان

فلسفه غرب گفته است: «ترجیح میدهم فرزندم بجای کارهای دیگری ده

معمولاً محصلین در آموزشگاه عهده دار میشوند فقط بمناظره پردازند». از وی دلیل

خواستند، حکیم جواب داد: «مناظره یگانه رشته ایست که دانش آموز را وادار میکند تا

آخرین سرحد لیاقت و قابلیت خود بکوشد و تمام مایه عقلی و علمی و گوهر ذاتی خود را

### فوائد

### مناظره

بکار آورد. ، چقدر خوب است هر جوانی روزی مجبور شود نیروی خود را بدین طریق بیازماید زیرا تا سخن نگفته است عیب و هنرش نهفته است .

سر آمد آن سخن چیزی برای سخنران دل انگیزتر از آن نمیدانند که گفتارش مورد پسند شنوندگان واقع شود و همینکه یکبار سخنران باین مزیت و افتخار نائل گشت لذت آنرا باین زودی فراموش نمیکند. لسان الغیب میفرماید:

کلید گنج سعادت قبول اهل دل است مباد کس که درین نکته شك و ریب کند

مناظره بشاگرد یاد میدهد با دقت و اسلوب منظم کتاب بخواند و رفته رفته صوت و آهنگ او موزون و قوه ناطقه اش بی آنکه خود متوجه باشد رو به کمال میرود. حاضر جوابی و نیروی تجربه و تحلیل از نتایج مسلم این فن است. اگر ورزیده این فن را دعوت کنند ارتجالا در حضور انجمنی ایراد سخن نماید بخوبی میتواند همه قوای دماغی خود را برای بحث در موضوع مطلوب تمرکز دهد و با طلاقت لسان و سلاست بیان و رفتار خالی از تکلف خود اعتماد و احترام جمع را بخود جلب نماید. مناظره راه را برای انجام کار های بزرگ زندگی باز میکند .

رئیس یکی از دانشکده های حقوق آمریکا گفته است بعضی از دانشجویان همینکه از مدرسه خارج میشوند ندره نام آنها شنیده میشود بر عکس دانشجویان دیگری که در انجمن مناظره وارد بوده اند میبینیم بیشتر نامشان بر زبانهاست. ستونهای جرائد گاهی خبر میدهد که این جوانان بعضی عهده دار کار های پر مسئولیت شده برخی دیگر در مشاغل قضائی به پایگاه بلند و پرافتخاری رسیده در خدمات ملی موفقیت درخشانی یافته صدایشان در تالار کنگره ها و پارلمانها منعکس و یا اینکه در کرسی فرمانداری شهرستانها سرگرم خدمات میهنی هستند .

مناظره کنندگان دبیرستانها و دانشکده ها هستند که پس از فراغ از تحصیل در امور جهان مصدر خدمات نوعی میشوند شاید هیچ رشته از رشته های دانشگاه برای مرتبط ساختن معاونات دانشجو مؤثر تر و مفید تر از مناظره نباشد. هیچ رشته ای بیشتر از مناظره فعالیت دماغی دانشجورا بر نینگیخته و او را به محیط خود آشنا نمیکند.

اکنون که فرق فرهنگیان در پرتو توجهات حکیمانه سرپرست عظیم الشان خود و الاحضرت همایون و لایعهد جوانبخت ایران به فرقدان رسیده است جای آنست که دانشجویان از دل و جان بکوشند تا در میدان سخن گوی سبقت و افتخار را مانند نیاکان خود از جمله جهانیان بر بایند.

## گفتار دوم

### در مقدمات کار

فرض کنیم شش تن دانش آموز از طرف کمیسیون برنامه انجمن ادبی آموزشگاه برای تهیه مناظره برگزیده میشوند. این هیئت به دو دسته تقسیم میشوند. هر دسته مرکب از يك رئیس و دو تن سخنور است و این نخستین دفعه ایست که دانش آموزان بکار مناظره میپردازند. نخستین کار این هیئت برگزیدن موضوع مناظره است و اهمیت این کار بیش از آنست که عموماً تصور میکنند. سخنوران گرد هم جمع شده در باره موضوع شور میکنند. موضوعات متنوعی پیشنهاد میشود که اکثر آنها قابل بحث نیست مثلاً اگر گفته شود «گنهار باید مجازات شود» این امر باندازه ای بدیهی و یکطرفی است که برای طرف منفی متعسر بلکه ممتنع است بتواند دلیل مخالفی اقامه کند و بنابراین قابل بحث نیست.

برگزیدن

موضوع

پس از آنکه موضوع مناسبی اختیار شد قدم دوم نگارش عبارت موضوع است عنوان مناظره باید طوری ساده و صریح و روشن باشد که راه سوء تعبیر بکلی بسته شود و بتوان عملاً آنرا ثابت نمود بهتر آنست اختیار موضوع را شاگردان به دیران مناظره و دماغهای پخته و مجرب واگذار نمایند و آقایان دیران هم با مدیران دیرستان و مقامات صلاحیت دار شور کنند و جنبه اختصار را نیز در نگارش عبارت و عنوان مناظره رعایت نمایند مثلاً:

آموزش ابتدائی باید در کشورها اجباری شود.

موزه ها و کتابخانه های عمومی باید روزهای تعطیل باز باشد.

رمانهای تاریخی مانع از درك صحیح حقایق تاریخ است.

دانش آموزانی که در تحصیل بیایه بلندی میرسند باید از امتحان بخشوده شوند.

استعمال دخانیات زیان آور است.

باده کساری سرچشمه مفاسد است.

برپا ساختن انجمنهای مناظره علمی برای تمام آموزشگاههای کشور لازم است.

تشریح جانوران زنده باید ممنوع شود. و قس علیهذا . . . . .

پس از اختیار عنوان مطلب رؤساء دسته های مثبت و منفی اصحاب خود را

بطریق قرعه انتخاب میکنند. از این تاریخ حریفان برای رایزنی همدیگر را نمی بینند و

همچشمی و مبارزه دوستانه میان دودسته شروع میشود و هر طرفی بتمام وسائیل شرافتمندانه

برای چیره شدن بر طرف دیگر توسل میجوید و مجاهدات هر دسته جمعی است

نه فردی، بدینمعنی که سه تن سخنوری که در طرف مثبت و یا سه تن سخنوری که در

طرف منفی قرار گرفته اند هر یک بار فقاء خود مانند فرد واحدی متفق اند.

مناظره کنندگان باید از مجلات و روزنامه ها و منابع تاریخی و

دائرة المعارفها و سایر کتب استفاده و یا بامطالعین و مراجع

علم و دانشمندان مذاکره و مکاتبه نمایند. در هر دسته رئیس

آن دسته تهیه فهرست مآخذ مجلات و جرائد را به یک تن از

کارمندان دسته خود رجوع و بدیگری مراجعه به کتب و کتابخانه ها را واگذار میکند

و بسومی مأموریت میدهد با اشخاص مصاحبه و مکاتبه کند و چون بدین نهج کار تقسیم

شود سرعت و نظم انجام میگیرد. مصاحبه با اشخاص صلاحیت دار باید برانمائی و

هدایت آقایان باشد و شاگردان بعد از هر مصاحبه یادداشتهای دقیق و روشنی از مذاکرات

و اطلاعات مکتسبه تهیه و بهمکاران خود بدهند. رئیس هر دسته باید طوری باحسن

تدبیر و مهارت و ذوق باهمکاران خود رفتار کند که زیر دستان وی در خود احساس

کهتری نسبت بوی نداشته باشند.

خواندن کتاب یا مجله یا جراید باید تابع نظامات معینی باشد.

پیش از شروع بررسی هر مناظره کننده لازم است مقداری

کارت یا برگهای سفید جدا جدائی برای یادداشت تهیه کند

و همینطور که مشغول بررسی است هر مطلبی را که مفید

## منابع کسب اطلاع

تهیه

یادداشت

و موصل بمطلوب خود یافت آنرا فوراً روی يك كارت یا ورقه علیحده با ذکر نام کتاب یا مجله بنویسد . از این راه مقداری در وقت صرفه جوئی کرده است و کار او هم بانظم و نسق پیشرفت خواهد کرد .

اصحاب مناظره باید تمام مقالات مربوط بموضوع را بخوانند زیرا هیچ چیز بیش از احاطه سخنران بموضوع مورد بحث جلب اعتماد حضار را نسبت به سخنران نمیکند . افراد هر دسته باید مواد استدلال خود را که یادداشت کرده اند در جلسات مرتبى که دارند باهم بخوانند و شور کنند و پاسخهایی برای احتجاج باحریف پیش بینی کنند یعنی زمینه کلام و ادله ردیه و ایراد قبل از نظر گیرند و آماده نفی و جرح آن باشند زیرا « چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد . »

## گفتار سوم

### تهیه خلاصه مطالب

میگویند استاد بزرگ فن مناظره «ابراهام لینکلن» عادت داشته است بعد از آنکه حریف بیانات خود را پایان میرساند بر پا خاسته و بایک روح صمیمانه و لهجه صادقانه دلائل حریف را نخست بمراتب بهتر از خود حریف برایش خلاصه میکرد . سپس یکایک ادله و شواهد حریف را درهم میشکست . حضار غرق تحسین و هیئت حا که از حضور ذهن او در شگفت میشدند . لینکلن چه میکرد ؟ ساعتها در کتابخانه ساکت و آرام در اندیشه بود و ادله سلبی و ایجابی دو طرف قضیه را میسنجید . پیش از آمدن به مجلس مناظره نکاتی را که حریف بعداً ممکن است طرح کند او قبلاً در نظر آورده جوابهای دندان شکن منطقی برای آن آماده میکرد . این کاری است که هر وکیل زبردست ، هر بازرگان کار آگاه ، هر خطیب مبرزی که بنخواهد کامیاب و فاتح شود باید بداند و عمل کند .

برای اینکه نکات و دقائق خوب مرکز ذهن سخنران شود لازم است خلاصه مطلب را تهیه کند . این اقدام در درجه اول اهمیت است بدون چنین طرحی هیچ سخنگوئی هر چند قوه ناطقه او قوی و معلوماتش عمیق باشد نمیتواند مطالب خود را

روشن و منقح کند. نظم و ترتیب مهمترین قانونی است که مناظره کننده باید رعایت کند. نظم و ترتیب بدون خلاصه نطق غیر ممکن است. خلاصه نطق سه جزء دارد: برداشت سخن یا در آمد مطلب. اصل مطلب. پایان سخن.

برداشت سخن و در آمد مطلب جلب محبت شنوندگان است که

**برداشت سخن** سخنگو با کلماتی خوش آیند از حضار دلربائی میکند تا بسخنانش

بهرتر دل بدهند ولی در خلاصه نویسی نطق که اینجا منظور

ماست این مقدمه منحصر است به چیدن زمینه بحث و ذکر تاریخچه مختصری از موضوع سخن و تعریف و تحدید پاره‌های اصطلاحات لازم. يك قاعده کلی چه در نوشتن خلاصه دیباچه چه در ایراد مقدمه باید رعایت شود و آن پرهیز از اظهار مطالبی است که مورد تصدیق هر دو طرف مناظره نیست و اصل مقصود آنست که گوشها برای شنیدن و ذهنها برای توجه کردن بسخن آماده شود.

بسا میشود که در آمد ضرورتی ندارد بلکه زیان آور است زیرا شنوندگان برای شنیدن اصل مطلب آماده اند و حوصله شنیدن مقدمه را ندارند. بهر صورت در آمد کار دشواری است و وقت بسیار میخواهد. سخنگوی زیر دست آنکسی است که طبع شنونده را برای خاطر براعت استهلال آزرده نساخته و در حسن مطلع و زمینه چینی استادی نشان دهد.

پس از دیباچه نویسی طرح مطلب و اقامه دلائل و شواهد است.

**اصل مطلب** برای اقناع حضار و وظیفه سخنگو آنست که ادله خود را تقسیم

کند و علاوه بر دلائل ایجابی که برای اثبات مدعای خود یعنی

قضیه مفروض میآورد باید در خلاصه نطق دلائل سلبی هم برای نقض دلائل حریف

پیش بینی کند و این قسمت باندازه‌های مهم است که باید بهر سخنوری وقت مخصوصی

برای اینکار اختصاص داده شود. بطور کلی باید کم و گزیده گوید و این نکته را آویزه

گوش خود قرار دهد که «یکدسته گل دماغ پرور. از صدخرمن گیاه بهتر»



خاتمه سخن در حقیقت خلاصه رموز و دقایق سخن است. اهمیت

پایان حسن مقطع از آنرو است که اصول مطالبی را که سخنور گفته

است بسرعت از نظر قضات میگذرانند و ادله خود را بدون

اینکه از سر بگیرد یادآوری میکند. بدینوسیله براهین مختلف سخنگو بیشتر مرکوز

ذهن هیئت داوری میشود ولی اگر بنا شود در پایان نطق باطناب ممل و مکررات

بیهوده و مسائلی که کاملاً ثابت نکرده است پردازد اثر آن از بین میرود. بنابراین

در فرود سخن باید با بیجا و اختصار بکوشد و گفتمانیها را بطریق دیگر یا از زبان

شخص دیگر بگوید و اثر خوشی در ذهن شنوندگان باقی گذارد و دستور افصح فصحا را

در نظر بگیرد که فرمود:

سخن گرچه دلبد و شیرین بود سزاوار تصدیق و تحسین بود

چو یکبار گفتمی مگو باز پس که حلوا چو یکبار خوردند بس\*

معروف است خطیب پرچانه‌ای که بیش از یکساعت گوش همه را خسته کرده بود

گفت گمان میکنم خیلی پرگوئی کرده اسباب درد سر آقایان میشوم. بذله گوئی از آن

میان جواب داد: خیر! خیر! ابداً! آسوده باشید! حواس ما جای دیگر بود.

## گفتار چهارم

تهیه متن سخنرانی

بعقیده بعضی از ارباب فن همینکه سخنگو موضوع را کاملاً بررسی کرد دیگر

تا موقع مبارزه کاری ندارد. شاید این اندازه کار برای سخنوران مجرب و ورزیده کافی

باشد. ولی برای نوآموزی که تازه قدم بمیدان مناظره میگذارد اتکاء بخلاصه نطق

و اطمینان باینکه از روی خلاصه مزبور بتواند مطلب را پیوراند ممکن است برای او

عاقبت وخیم داشته باشد. مناظره کننده باید بطور قطع و مسلم بداند چه میخواهد

بگوید. رئیس دسته یا مربی مناظره بهر سخنگوئی قسمتی از مطالبی را که در خلاصه

نطق نوشته شده ارجاع میکند. این شخص هم خطابه خود را منحصرأ راجع بهمین

قسمت مینویسد و جز ادله‌ای که در خلاصه مزبور نیست نکات دیگری طرح نمیکند

\* حدیث مفصل از این مجمل را بطور کلی باید در کتاب نفیس آئین سخنوری نگارش جناب آقای فروغی خوانند.

زیرا خلاصه نطق استخوان بندی و قالب ریزی ساختمان نطق است.

مناظره را باید نوشت و و انوشت تا هر نکته در مقام خود روشن و منقح شود و مناظره کننده باید در نظر داشته باشد که شنوندگان باندازه وی انس و آشنائی بموضوع ندارند. لذا کلام باید ساده و جملات کوتاه باشد و از استعمال الفاظ دراز و بزرگ و عبارات فنی و مهجور حتی الامکان پرهیز نماید.

همینکه آخرین تجدید نظر بعمل آمد مبتدی نطق خود را باید

از بر کردن حفظ کند. در اینجا استادان فن باز اختلاف دارند برخی سخن

میگویند هرگز نباید سخنرانی را کلمه بکلمه طوطی و از بر

نمود. آنچه مسلم است نوآموزی که هرگز در برابر انجمنی بر کرسی خطابه صعود نکرده بهتر است آنچه را میخواهد بگوید طوری حاضر داشته و محفوظ باشد که درست بتواند بیان کند. اگر نطق را خود سخنگو نوشته و از روی وجدان کار خود را قائم بالذات انجام داده است درینصورت نباید توهم کند که چون حفظ کرده است سخنش بی اثر خواهد بود. شدت کار و جدیتی که برای تهیه مطلب مصروف داشته و شوری که برای بیان استدلال در سر دارد کافی است که کلامش باروح وزنده و مؤثر باشد. بدیهی است این دستور شامل محصلین ورزیده نمیشود و همان قسمیکه چارلز هانسون آمریکائی نوشته است و ترجمه استادانه گفتار وی را در اصول فن مناظره در شماره پنجم سال ششم مجله آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) بخامه جناب آقای علی اصغر حکمت وزیر کشور ملاحظه فرموده اید دانشجویان مدارس عالی نباید عین نطق را حفظ کنند، بلکه معانی را بذهن گرفته قبل از مناظره عبارات و الفاظ گوناگون ادا میکنند تا آنکه هر قسمت از سخن را بتواند با کمال سلاست و با آهنگهای مقتضی ادا نمایند. مناظری که نطق خود را اینطور حاضر کرده باشد همینکه نوبت باو میرسد بانهایت اطمینان قلب و اشتیاق شروع میکند و با متانت و جدیت سخن میگوید و توجه مستهین را بخود جلب و آنها را متقاعد خواهد کرد.

## گفتار پنجم

### روش استدلال و تشخیص مغالطات

برای اینکه سخنوران جوان ما درست فکر کنند و بنحوا نروند باید تا اندازه‌ای بعلم منطق آشنا باشند و سر رشته برهان وجدل و مغالطه را که ارکان فعلی منطق است پیدا کنند و اصول خطابه را که اروپائیان از منطق جدا کرده و فنی جدا گانه شمرده‌اند بخوبی فرا گیرند. غرض از مناظره زبان بازی و لفاظی نیست. حجت لازم است و در اقامه حجت مناظره کنندگان باید خرد و ادب را رهبر گفتار ساخته سعی کنند حریف را با دلایل ذلیل کنند نه آنکه زبان بگستاخی دراز یا بیهوده گفتن آغاز نمایند که بقول شیخ این سنت جاهلان است که چون از خصم فرومانند سلسله خصومت بجنبانند. لذا اصل و مایه مناظره همان حجت است که مبنی بر قیاس و استقراء و تمثیل است و حکما آنرا عمود و پایه سخنوری دانسته‌اند. سخنوران باید با قیاسات برهانی و خطابی و شعری وجدلی و سفسطی آشنا باشند و مخصوصاً از صناعات خمس به سوفسطیقا توجه داشته باشند زیرا بدین وسیله می‌توانند به اشتباهات غلط و اشتباه کاریهای مغالط پی برده حقیقت را از تدلیس تمیز دهند دانستن ایهام انعکاس و مصادره بمطلوب و اشتراك لفظ بجوهر لفظ و سوء تالیف و سوء اعتبار حمل و تفصیل مرکب و ترکیب مفضل و جمع مسائل در مسئله واحد و وضع مالس بعله عله و اخذ ما بالعرض مکان ما بالذات هر کدام مبحث مهمی است که ما را از خطیئاتی که چه از راه لفظ و چه از راه معنی ممکن است پیش آید محفوظ داشته و نشان می‌دهد چسان میتوان بین حقیقت شیئی و تعزیه شیئی یعنی شبه شیئی تمیز داده و بر حریف چیره شد. مثلاً یکی دیگر از اشکال مغالطه تشنیع و استهزاء است که برای نمونه عرض میکنم معروف است اسقف ویلبر فورس با حیات شناس انگلیسی ها کسلی بر سر اصل تطور و تکامل دارون بحث میکرد. اسقف از استاد پرسید « آیا واقعاً عقیده دارید که جد اعلای شما میمون بوده ؟ اگر چنین است اصل و نسب پدری یا مادری شما کدامین است که به میمون میرسد ؟ » ها کسلی پاسخ داد: « اگر جدی میداشتم که از علمایاتی که حد او نیست سخن گفته

و آنرا آلوده باغراض شخصی میساخت از داشتن چنین جدی البته شرمسار بودم .  
 باز هم از لثالی شاهوار داهیه روزگار زنده کننده زبان ایران استشهد میکنم  
 که فرمود :

زبان و دلت باخرد راست کن	همی زان از انسان که خواهی سخن
کمان دار دل را زبانت چو تیر	تو این داستان من آسان مگیر
گشاده برت باشد و دست راست	نشانه بنه زان نشان کت هواست
زبان در سخن گفتن آژیر کن	کمان خرد را سخن تیر کن

چون علت غائی سازمان پرورش افکار و تأسیس آموزشگاه تقویت از فرهنگ عمومی کشور و روح ملت و نیروی معنوی ایران است اهتمام آقایان دبیران بیشتر مصروف آنست که احساسات و افکار عالی جامعه را پرورش دهند و شریف ترین آن احساسات البته عشق بکار است . آثار جاویدانی که در گنجینه فرهنگ و ادبیات ایران از مفاخر باستان ما یادگار مانده است همه زاده عشق است . الکتریسته و هواپیما و رادیو و لکوموتیو و تلسکوپ و میکروسکوپ را عشق بوجود آورد . مطلق اختراعات و اکتشافات و علوم اولین و آخرین بشر تنها پرتوی از انوار عشق است . در اینجا ما ثابت کردیم که بهترین وسیله برای برافروختن نائره عشق و کار مناظره است . مناظره است که شور عشق و کار را در دماغها افزون و جوانان دانش پژوه کشور را تا آخرین سرحد امکان برای ابراز لیاقت و قابلیت خود بجد و جهد رهنمائی میکند، یعنی آتش عشق را در دلها شعله ور میسازد . بزرگترین سرمشق عشق و کار پدر تاجدار ما پدید آورنده بزرگ ایران نو اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رضاشاه پهلوی است تنها نیروی عشق و اراده ایشان بود که ایران را دوباره زنده کرد و دل سخت ترین کوه های عظیم مازندان و لرستان را شکافت و غریو شادی ایرانیان را به بیش از یک قرن آرزومند چنین روز فیروزی بودند از دهانه لکوموتیو های قله پیما که امروز از شمال بجنوب کشور در غرش است به آسمانها فرستاد . مولوی فرموده است :

عشق جوشد بحر را مانند دیگ      عشق ساید کوه را مانند ریگ

عشق لرزاند زمین را از گزاف	عشق بشکافد فلک را صد شکاف
از فراز عرش تا تحت الثری	عشق را پانصد پر است و هر پری
عشق اصطربلاب اسرار خداست	علت عاشق ز علت ها جداست
چون به عشق آیم خجل گردم از آن	هر چه گویم عشق را شرح و بیان
چون به عشق آمد قلم خود بر شکافت	چون قلم اندر نوشتن می شتافت
هم قلم بشکست و هم کاغذ درید	چون قلم در وصف آن حالت رسید
عاقبت ما را بدان سر رهبر است	عاشقی گرزین سرو گرزان سراست



## ضمیمه نخست

### اساسنامه انجمن های مناظره

برای تشکیل انجمن های مناظره اساسنامه و آئین نامه یکی از انجمن های آمریکا را با تصرفاتی بطور نمونه در اینجا ذکر میکنم تا با در نظر گرفتن مقتضیات هر آموزشگاه و اصول کلی اینگونه اجتماعات، چنانکه آقای دکتر صدیق رئیس دانش سرای عالی در کتاب نفیس خود راجع بروش نوین در تعلیم و تربیت تذکر داده اند دانش آموزان را راهنمایی و نواقص آنرا با مراجعه به نظامات داخلی مجلس شورای ملی اصلاح فرمایند:

ماده اول - در دبیرستان یا دبستان مجمعی بنام «انجمن مناظره» یا هر نام دیگری که مناسب تر باشد تأسیس میشود

ماده دوم - مرام انجمن پرورش نیروی فکر و گفتار و کردار کارمندان انجمن است.

ماده سوم - شعار انجمن با انتخاب انجمن و تصویب رئیس آموزشگاه است (برای نمونه اشعاری از فردوسی در پایان آئین نامه نقل شده است.)

### ماده چهارم

الف - هیچکس جز آنانکه بدبیرستان یا دبستان بستگی دارند بکارمندی انجمن برگزیده نمیشود.

ب - نام کسانی که صلاحیت کارمندی انجمن را داشته باشند اقلایک گفته پیش از آنکه راجع به آنها رای مخفی گرفته شود پیشنهاد و هرگاه بیش از سه رای مخالف نداشته باشند بکارمندی برگزیده شده و مبلغ مختصری حق کارمندی به تعیین انجمن می پردازند.

### ماده پنجم

الف - هر يك از کارمندان انجمن بخواهد بکارمندی افتخاری باشد باید درخواست کند و انجمن درین خصوص رأی میگیرد و اگر اکثریت حاصل شد

کارمند افتخاری میشود مشروط بر اینکه حق کارمندی خود را پرداخته و هنگام کناره گیری کارمند اصلی در انجمن باقی باشند.

ب- هیچیک از کارمندان افتخاری در امور رسمی انجمن شرکت نداشته و هیچیک از مشاغل مربوط بانجمن گماشته نمیشوند و جزء هیچ برنامه‌ای نخواهند بود مگر بعنوان جایگزین.

ج- کارمند افتخاری میتواند عضویت اصلی دوباره برگزیده شود ولی باید یا شخصاً و یا بوسیله یکی از کارمندان درخواست کند و اکثریت انجمن رأی بدهند.

د- نمایندگان انجمن- هر يك از اعضاء انجمن که نمایندگی انجمن یا مناظرات بین مدارس یا کلاسها و غیره در جای دیگری باید حضور بهم رسانند از حضور در جلسات خصوصی یا عمومی هنگام اشتغال بمأموریت مزبور معاف است و جزء هیچ برنامه دیگری قرار نمیگیرد و هر يك از کارمندان دیگر انجمن که بکار مخصوصی از طرف انجمن مأمور شوند با دو ثلث آراء انجمن از مزایای مندرج در این بند بهره‌مند میشوند.

#### ماده ششم

الف- تنیهای انجمن جریمه یا تعلیق یا اخراج است.

ب- جرائم: جرائمی که در موارد زیرین تصریح شده است از طرف رئیس انجمن یا خود انجمن وضع خواهد شد.

ج- هر کارمندی که علل کافی تعلیق یا اخراج او را ایجاب نماید تعلیق یا اخراج میشود.

د- هر زمان دین کارمندی بانجمن از . . . . ریال یا بیشتر تجاوز کند از طرف خزانه دار کتباً باو اخطار میشود در صورتیکه در ظرف سه هفته از تاریخ دریافت اخطاریه بدهی خود را پرداخت خزانه دار اخطار کتبی ثانوی برای او میفرستد و هرگاه باز در ظرف یکم هفته حساب خود را تسویه نکند معلق میشود و تعلیق او را خزانه دار در نشست رسمی انجمن اعلام میکند. و نیز چنانچه یکماه پس از تعلیق بدهی

خود را پرداخت همیشه از کارمندی انجمن محروم میماند. هر کارمند اصلی انجمن که در چهار نشست رسمی متوالیاً بدون عذر موجه در موقع خواندن نام کارمندان هنگام افتتاح و اختتام جلسه غائب باشد پس از اخطار لازم از انجمن منفصل میشود.

ماده هفتم -

الف - هیئت رئیسه - هیئت رئیسه انجمن مرکب است از رئیس و نایب رئیس و دو تن منشی و یک خزانه دار و دو تن مأمور انتظامات. خدمت هر یک باستثناء خزانه دار یک دوره انجمن یا موقعی است که جانشین او برگزیده شود. خزانه دار برای مدت یکسال انتخاب میشود.

ب - دوره انجمن سال تحصیلی است و به سه دوره تقسیم میشود.

ج - کمیسیون ها - انجمن دارای یک کمیسیون اداری - یک کمیسیون رسیدگی بحساب - یک کمیسیون برنامه - یک کمیسیون موسیقی - و یک کمیسیون تاریخ خواهد بود.

ماده هشتم -

الف - وظایف رئیس و در غیاب وی نایب رئیس اداره امور انجمن و حفظ نظم و امنیت و سرپرستی در کارهای همگانی انجمن است. یکی از منشیان در هر نشست رسمی اسامی کارمندان را خوانده و غائبین را یاد داشت میکند و جرائم را در پایان هر جلسه خزانه دار گزارش میدهد و صورت مذاکرات و برنامه های عمومی را در دفتر ثبت انجمن مینویسد. منشی دوم عهده دار مکاتبات و نشریات انجمن و نصب برنامه انجمن در ساعت هشت و نیم صبح هر روزی است که عصر آن روز برنامه اجرا میشود.

ج - وظائف خزانه دار - وظیفه خزانه دار جمع آوری حق عضویت و وجوه انجمن و بمصرف رساندن آنست بدستور کتبی رئیس و منشی انجمن و تهیه گزارش هزینه و حساب بدهکاری و بستانکاری و اخطار بکارمندان که حسابشان معوق مانده است طبق مقررات بند (د) از ماده ششم این اساسنامه.



د- وظیفه مأمورین انتظامات حضور در جلسات انجمن و استقرار نظم بدستور رئیس انجمن است. او امر انجمن را در موارد مختلف انجام داده و در جلسات عمومی مأمور راهنمایی و اردین و نشان دادن جاست.

ه- کمیسیون اداری - این کمیسیون مرکب از رئیس و نایب رئیس و منشی اول میباشد و وظیفه آن اقدام در کارهای انجمن و رسیدگی بحساب خزانه دار است.  
و- کمیسیون برنامه - این کمیسیون مرکب از دو کارمند است که رئیس انجمن در نشست اول هر دوره برای یک دوره انجمن انتخاب میکند. وظایف این کمیسیون تنظیم برنامه مناظرات است و باید مراقبت کند هر کارمندی اقلاً یکبار در هر دوره جزء برنامه باشد و دفتر ثبتی برای حضور و غیاب مناظره کنندگان نگاه بدارد و اقلاً چهار هفته قبل برنامه های چهار جلسه اول دوره بعد را خبر بدهد.

ز- کمیسیون تاریخ - این کمیسیون عهده دار بایگانی و حفظ اوراق و رونوشت سخنرانیها در شعبه تاریخی کتابخانه آموزشگاه است.

ماده نهم - جزای تأخیر در پرداخت حق کارمندی - هر کارمندی که پرداخت حق کارمندی خود را بموجب گزارش خزانه دار بتعویق انداخته باشد از مزایای سخنرانی و رأی دادن در نشست رسمی برای کارهای اداری انجمن محروم میشود تا دیون معوقه خود را پردازد.

ماده دهم - این اساسنامه با کثرت آراء دو ثلث کارمندان اصلی حاضر در هر جلسه رسمی اداری قابل اصلاح است ولی اقلاً سه هفته قبلاً باید پیشنهاد اصلاح در جلسه خوانده شده و به منشی اول انجمن تسلیم شود.

## ضمیمه دوم

### آیین نامه انجمن های مناظره

ماده اول :

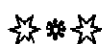
- الف - جلسات ادبی عمومی انجمن در عصر های . . . . منعقد خواهد شد .  
 ب - جلسات مخصوصی بدرخواست پنج تن از کارمندان اصلی از طرف رئیس انجمن برپا میشود .  
 ج - حد نصاب برای گرفتن رأی حضور دو پنجم کارمندان اصلی انجمن است .

ماده دوم :

- الف - انتخابات انجمن بارأی مخفی و حصول اکثریت است .  
 ب - هیئت رئیسه دوره بعد در جلسه نهائی رسمی هر دوره برگزیده میشود .  
ماده سوم : تعیین میزان جرائم مربوط به قصور در انجام وظیفه یا غیاب بی عذر موجه و یا خروج از جلسات بدون اجازه رئیس، به نظر خود انجمن است .  
ماده چهارم : هر کس اعتراضی بجزریانات و مذاکرات انجمن داشته باشد بازبان مؤدب اظهار و در صورت جلسه وارد میشود .

- ماده پنجم : برنامه جلسات ادبی عمومی عبارت است از خواندن اسامی برای تعیین حاضرین و غائبین - برنامه مناظره - ختم جلسه .

- ماده ششم : برنامه جلسات کار اداری عبارتست از قرائت صورت جلسه پیش - گزارش نقاد راجع به برنامه مناظره - قرائت برنامه ها از طرف کمیسیون برنامه - گزارش خزانه دار و بخشش جرائم - قبول عضویت کارمندان تازه و پرداخت حق کارمندی - رأی مخفی راجع باسامی نامزد های جدید برای عضویت - پیشنهاد اسامی جدید - انتخاب هیئت رئیسه - گزارش کمیسیونها - انجام کارهای ناتمام - رسیدگی بکارهای تازه - خواندن اسامی برای تعیین حضور و غیاب - پایان نشست .



نمونه‌ای چند از اشعار دیگر فردوسی برای شعار انجمن‌ها

خردمند باش و جهانجوی باش	تو چندانکه باشی سخنگوی باش
که بیچاره باشد خداوند لاف	نگوئیم چندین سخن برگزاف
سخن بهتر از گوهر شاهوار	سخن ماند اندر جهان یادگار
نه بیند نزد کسی آبروی	چنان دان که بی شرم و بسیار گوی
سخنرانی و رهنمونی دهد	کسی را که یزدان فزونی دهد
نباید زبان را بزهر آزدن	زبان را نگهدار باید بدن
بکاهد بگفتار خویش آبروی	که بر انجمن مرد بسیار گوی
یکی خام گفتار بارنگ و بوی	سخنها سبک گوی و بسته مگوی
بدریا خردمند چون بگذرد	سخن لنگر و باد باش خرد
جوانمردی و داد دادن بسیج	سخن را مگردان پس و پیش هیچ
به از خامشی هیچ پیرایه نیست	زدانش چو جان ترا مایه نیست
کز آن آتشت بهره جز دود نیست	مگوی آن سخن کاندرو سود نیست
هنرها بیاید بدین داوری	هر آنکس که جوید همی برتری

## ضمیمه سوم

## فهرست مراجع

- ۱- مباحثه و مناظره بنامه دکتر ویلم تروفنت فاستر چاپ مطبعه دانشگاه کمبریج
- ۲- کتاب مناظره دیرستانها تألیف ای. سی. راینزا استاد مناظره در دانشگاه دولتی آیوا آمریکا
- ۳- مناظره کننده باشگاه کامیابی نگارش هربرت هانگر فورد
- ۴- دائره المعارف آموزش و پرورش دکتر پال مونرو
- ۵- آئین سخنوری یافن خطابه نگارش جناب آقای محمد علی فروغی
- ۶- حکمت سقراط ترجمه جناب آقای محمد علی فروغی
- ۷- اصول فن مناظره ترجمه و نگارش جناب آقای علی اصغر حکمت (هم جدا گانه و هم در سر فصل شماره پنجم از سال ششم همین مجله چاپ شده است.)
- ۸- اصول خطابه و تاریخ مختصر منطق تألیف جناب آقای تدین
- ۹- کتاب روش نوین در تعلیم و تربیت نگارش آقای دکتر عیسی صدیق
- ۱۰- دائره المعارف انگلیس
- ۱۱- شاهنامه فردوسی (نصایح فردوسی - فراهم آورده آقای رشید یاسمی)
- ۱۲- مثنوی مولانا جلال الدین مولوی
- ۱۳- کلیات سعدی
- ۱۴- رهبر خرد بنامه آقای میرزا محمود مجتهد خراسانی
- ۱۵- محبوب القلوب قطب الدین اشکوری
- ۱۶- زرتشت پیغمبر ایران باستان تألیف پروفیسور ویلم جکسن
- ۱۷- سالنامه های دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دانشسرای عالی و دیرستانهای پهلوی و ایرانشهر
- ۱۸- مقدمه ابن خلدون
- ۱۹- تذکره الشعراء دولت شاه
- ۲۰- دیوان پروین اعتصامی مقدمه آقای بهار
- ۲۱- کتاب اسلام در دنیا تألیف دکتر زکی علی

این مقاله زمینه سخنرانی آقای علی باشا صالح در آموزشگاه پرورش افکار (شعبه دبیران) است که از نظر استفاده همگی بدرج ان در مجله مبادرت شد.